

## سجاد پور- ۳۰ ساله ای که با خیانت به رفیق ۲۰ ساله اش، دست به جنایتی هولناک زده بود، صبح روز گذشته و با گذشت حدود شش ماه از وقوع قتل، لب به اعتراف گشود و راز این پرونده جنایی را در حضور قاضی ویژه قتل عمد مشاهده فاش کرد. به گزارش اختصاصی خراسان، بیست و پنجم مرداد گذشته، مرد جوان حدود ساعت ۱۶ از سر کار به منزلش در منطقه طرق مشهد بازگشت اما وقتی وار طبقه اول ساختمان ویلایی شد، ناگهان پیکری بی جان همسرش را دید که به صورت خمیده کنار در پذیرایی افتاده بود. او دست همسرش را گرفت و فریاد زد «چی شده؟!» اما پاسخی نشنید! با فریادهای مرد جوان، پدرش که در طبقه دوم زندگی می کرد همراه سایر پایین آمد و با نیروهای امدادی تماس گرفت. ردیابی بعد از تایید مرگ زن ۲۲ ساله، نیروهای کلانتری طرق مر ات را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند. بررسی های مقدماتی حاکی از آن بود که زن جوان بر اثر انسداد ریه تنفسی جان داده است. شیر آب آشپزخانه نیمه باز مانده و چند عدد میوه روی زمین افتاده بود. در همین حال بخشی از یک میوه تابستانی که در دهان «س-الف» قرار داشت چنین نشان می داد که زن جوان هنگام خوردن میوه دچار خفگی شده است.

گزارش خراسان حاکی است، به دستور قاضی علی اکبر احمدی نژاد، جسد این زن ۲۲ ساله به پزشکی قانونی انتقال یافت اما چند روز بعد با اعلام نظر پزشکی قانونی مبنی بر وجود آثار کبودی و خراشیدگی روی دست و پای زن جوان، این پرونده در حالی رنگ جنایت به خود گرفت که قاضی ویژه قتل عمد به صحنه سازی برای جنایت مشکوک شده بود. به دنبال این گزارش و با دستور مقام قضایی، پرونده مرگ این زن به اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی ارسال شدو بدین ترتیب گروه جدهای از کارآگاهان بانظارت مستقیم و هدایت سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) رسیدگی به این پرونده جنایی را به عهده گرفتند.

از سوی دیگر قاضی احمدی نژاد، دستورات

مجرمانه ای برای بررسی وضعیت اجتماعی و اخلاقی افرادی را صادر کرد که به منزل مقتول رفت و آمد داشتند. بنابر گزارش خراسان، تحقیقات کار آگاهان ادامه داشت تا این که سرخ هایی از سردی روابط بین شوهر مقتول و یکی از دوستان ۲۰ ساله اش به دست آمد. این موضوع افکار قاضی ویژه قتل عمد را در گیر کرد بدین ترتیب «محسن-ر» به دادسرا احضار شد. اما او با بیان این که با همسر مقتول، رفاقت صمیمانه ای داشته است، خود را بی خبر از ماجرای قتل نشان داد و بیان کرد که همسر مقتول در سختی های زندگی دست مرا گرفت و محبت های زیادی به من کرد! با وجود این، قاضی احمدی نژاد که به اظهارات او مشکوک شده بود، در حالی دستور آزادی «محسن» را صادر کرد که از کارآگاهان خواست تحقیقات خود را بر وضعیت اخلاقی وی متمرکز کنند. بررسی های غیر محسوس و رصد های اطلاعاتی کار آگاهان زیر نظر سرهنگ علی بهرام زاده (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) نشان می داد که «محسن-ر» (متهم ۳۰ ساله) مدت ها قبل همسرش را طلاق

داده و بعد از آن دچار تالما ت روحی شده است که در همین هنگام دوست و هم محله ای ۲۰ ساله اش به یاری او آمده تا او را از این وضعیت روانی و افسردگی نجات بدهد. این گونه بود که پای محسن به زندگی خصوصی دوستش باز شد اما از حدود شش ماه قبل، مرد جوان فهمید که «محسن» بیش از اندازه در زندگی خصوصی او دخالت می کند و حتی همسر او را از معاشرت با اطرافیانش باز می دارد! بنابر گزارش خراسان، این گونه بود که مرد جوان از همسرش خواست تا ارتباطش را با محسن قطع کند و خودش نیز رفتار سردی با دوست قدیمی اش داشت تا به او بفهماند که پایش را بیشتر از گلیم اش دراز کرده است. از آن روز به بعد محسن نیز کمتر در محل زندگی او دیده می شد اما ادامه تحقیقات تخصصی کار آگاهان که بار اهنمایی های قاضی ویژه قتل عمد همراه بود، نشان می داد که «محسن-ر» در روز وقوع جنایت، در محل زندگی دوست قدیمی اش دیده شده است، به همین دلیل قاضی احمدی نژاد از حدود ۲۰ روز قبل دوباره او را به دادسرا احضار کرد و با صدور قرار قانونی در



متهم به قتل هنگام تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی احمدی نژاد

### مرگ یک کولبر بر اثر سرما در منطقه مرزی سقز

فرماندار ویژه سقز گفت: از ۲۳ کولبر که روز شنبه ۱۲ بهمن در این منطقه گرفتار کولاک برف شدند، ۲۰ نفر نجات یافتند، دو نفر مفقود هستند و یک نفر جان خود را بر اثر سرما از دست داد. عثمان فتوحی، یکی از کولبرانی که به همراه ۲۳ کولبر دیگر برای حمل بار از منطقه مرزی سرشیو سقز عازم منطقه کردستان عراق بود و در میان برف و بوران سنگین منطقه گرفتار شد، جان خودش را از دست داده است. عثمان فتوحی، ۶۵ ساله اهل روستای تازه آباد سقز در استان کردستان بود و از اوشن فرزند به جا مانده است. به گزارش ایسنا، محمدباقر محمدی مدیرعامل هلال احمر کردستان نیز با تایید این که یکی از کولبران که شنبه در کولاک شدید برف ارتفاعات روستای



### زمین خبرها

در محور ریگان -ایران شهر رخ داد

### ۳ کشته در آتش سوخت قاچاق

**توکلی** - بر خورد و آتش سوزی یک خودروی پژو حامل سوخت قاچاق با خودروی پژوی دیگر در محور ریگان - ایران شهر سه کشته به جا گذاشت. جانشین فرمانده پلیس راه ریگان گفت: با اعلام خبر تصادف هولناک در محور ریگان - ایران شهر، ماموران پلیس بی درنگ برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند. به گزارش خبرنگار ما، غضنری افزود: با حضور ماموران و نیروهای امدادی مشخص شد در این حادثه یک خودروی پژو حامل سوخت قاچاق با یک خودروی دیگر بر خورد رخ به رخ داشته که بر اثر آتش سوزی، سه سرنشین هر دو خودرو در آتش سوخته و جان باخته اند. وی هشدار داد: قاچاق سوخت در محور ریگان - ایران شهر جان مردم را به خطر انداخته است.

### آتش بازی با نفت، پسر بچه ۱۰ ساله را به کام مرگ کشاند

**توکلی** - آتش بازی با نفت، مرگ پسر بچه ۱۰ ساله را در جیرفت رقم زد. فرمانده انتظامی شهرستان «جیرفت» گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر وقوع یک فقره سوختگی و اعزام فرد مصدوم به مرکز درمانی، ماموران پلیس برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. به گزارش خبرنگار ما، سرشدن، «رضا محمد رضایی» افزود: پس از حضور ماموران در بیمارستان مشخص شد، اعضای کامل بدن این نوجوان به علت آتش بازی دچار سوختگی شدید شده و این فرد در بیمارستان جان باخته است. این مسئول انتظامی درخصوص علت وقوع این حادثه دلخراش بیان کرد: این پسر بچه ضمن دسترسی به بطری حاوی نفت و کبریت در حال آتش بازی بوده که متاسفانه مقداری از مواد قابل اشتعال روی لباسش ریخته و باعث این حادثه دلخراش شده است.

**با تهیه فیش حج**  
**به سرزمین وحی سفر کنید**  
**خرید - فروش - تجمیع - عمره**  
**فیش معلم ۱۳ - پلاک ۱**  
**۶۹ - ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵**

### اعترافات مردی که همسر دوستش را کشت

# خیانت رفیق ۲۰ ساله!



انتخاب کار آگاهان پلیس آگاهی گذاشت تا این بار جویی ها با توجه به اسناد و مدارک انکارناپذیر انجام شود ولی متهم همچنان بر بی گناهی خود پافشاری می کرد و مدعی بود که روز حادثه سر کار بوده است.

بنابر گزارش اختصاصی خراسان، با این ادعای متهم، کار آگاهان ساعات ورود و خروج او را در محل کارش بررسی کردند و متوجه شدند که او روز حادثه یک ساعت زودتر از محل کارش (یکی از سازمان های امدادی) خارج شده است. بدین ترتیب متهم ۳۰ ساله روز گذشته توسط سرهنگ ولی نجفی (کار آگاه اداره جنایی) مورد بازجویی های غنی و پرسش و پاسخ های تخصصی قرار داد که دیگران تصور کنند او به قصد خوردن آب به طرف آشپزخانه رفته ولی موفق نشده است آب بخورد! بعد از آن هم جسد را به سمت در کشیدم و از محل گریختم!

گزارش خراسان حاکی است، صبح روز گذشته همچنین، متهم به قتل با دستور قاضی احمدی نژاد به محل وقوع جنایت انتقال یافت و به تشریح جزئیات این پرونده جنایی پرداخت. تحقیقات بیشتر در باره روایای دیگر این پرونده همچنان ادامه دارد.

### آتش سوزی موتور هواپیمای ایران ایر تور

هواپیمای ایرباس 300-600 شرکت ایران ایر تور با رجیستر EP-MDN، برای بار دوم در یک هفته گذشته در مسیر تهران به استانبول شماره یک این هواپیما هستند.

### گردوغبار شدید و توفان در شرق کرمان ۱۰۰ نفر راهی بیمارستان کرد

### مسدود شدن راه ارتباطی ۸۳ روستا

**توکلی** - بر اثر شدت وزش باد و گردوغبار شدید ۱۰۰ نفر راهی مراکز درمانی شدند. فرماندار شهرستان ریگان گفت: بر اثر شدت وزش باد و گردوغبار شدید، راه ارتباطی ۵۰ روستای ریگان مسدود شده است. به گزارش خبرنگار ما، باقری غلظت گردوغبار را ۲۰ برابر حد مجاز ذکر و بیان کرد: توفان ۱۵۰ روستا را در محاصره شدید شن قرار داده است. وی با بیان این که توفان خسارت هایی به زیر ساخت های کشاورزی شهری و عمرانی این شهرستان وارد کرده است، خاطر نشان کرد: کارشناسان در حال برآورد خسارت

واحد صفحه آرایي روزنامه خراسان  
سفارش می پذیرد  
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹ ☎ layout@khorasannews.com

**انواع کت و شلوار**  
**۱۲۹ هزار تومان**  
**کاپشن ۱۲۹. شلوار لی و کتان ۶۹ تومان**  
*بلاژ بیروزی، بلاژ رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروتنه تولیدی بزرگ کبیر*

**آگهی تمدید زمان مناقصه عمومی خرید پلاستیک رکا بی ۴۵×۴۵ و پلاستیک رولی با اولویت نوع زیست تخریب پذیر**  
پیرو آگهی مناقصه عمومی آستان قدس رضوی در خصوص خرید پلاستیک رکا بی ۴۵×۴۵ و پلاستیک رولی از طریق مناقصه عمومی، به اطلاع می رساند مناقصه مذکور تا ساعت ۱۲:۳۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۴ تمدید گردید. لذا تأمین کنندگان محترمی که تمایل به شرکت در مناقصه مذکور دارند جهت مشاهده متن کامل آگهی و شرایط مناقصه به نشانی http://dev.razavi.ir بخش مناقصات مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۴ نسبت به تحویل پاکت پیشنهاد قیمت به دبیرخانه معاونت اداری و پشتیبانی آستان قدس رضوی اقدام نمایند. ضمناً تأمین کنندگانی که در مرحله اول در مناقصه شرکت نموده و پاکات خود را به این سازمان تحویل داده اند در صورتی که تمایل به تغییر قیمت دارند پاکت ج جدید با قیمت اصلاح شده را به صورت درب بسته و مهر و موم شده در مهلت مذکور به این سازمان ارسال نمایند. شایان ذکر است هزینه چاپ آگهی ها در روزنامه ها برعهده برنده مناقصه خواهد بود.  
شماره تماس: ۰۵۱۳۲۲۰۰۱۴۲۰ و ۰۵۱۳۲۲۰۰۱۵۱۹

**مناقصه عمومی خرید بوستر پمپ**  
معاونت عمرانی آستان قدس رضوی در نظر دارد چند دستگاه بوستر پمپ مورد نیاز پروژه در دست احداث خود را به شرح شرایط مندرج در اسناد مناقصه، از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا متقاضیان واجد شرایط می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۷ در دبیرخانه معاونت عمرانی آستان قدس به نشانی مشهد، چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، معاونت عمرانی مراجعه یا با شماره تلفن ۰۵۱-۳۲۰۰۱۱۲۶ تماس حاصل نمایند. ضمناً هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

### حوادث

### ۱۳

در امتداد تاریکی

### گناه نابخشودنی!

همواره سعی کردم فرزندانم را با لقمه حلال بزرگ کنم تا به راه خلاف و خطا نروند اما نمی دانم چرا دخترم این گونه در منجلاب فساد و بی اخلاقی فرو رفت. واقعاً نمی دانم کجا اشتباه کردم و کدام مسیر را در تربیت فرزندم به بیراهه رفتم که اکنون باید این گونه آبرو و اعتبار از دست رفته ام را به سوگ بنشینم... مرد ۵۵ ساله با بیان این جملات در مقابل رئیس دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری شقای مشهد، آهی کشید و در حالی که قطرات اشک را با گوشه آستین پاک می کرد در باره سرگذشت دخترش ادامه داد: سحر فرزند اول من است او با برادر کوچک ترش تنها یک سال اختلاف سنی دارد. سحر و محمد از کودکی با یکدیگر مشکل داشتند و به هم حسادت می کردند. همواره بازی های کودکان آن ها به دعوا ختم می شد. اگر به سحر توجه می کردیم محمد حسادت می کرد و اگر به محمد علاقه نشانی می دادیم سحر ناراحت می شد. انگار با به دنیا آمدن محمد، سحر آن جایگاه ویژه اش را از دست داده بود. بعد از این که سحر به سن نوجوانی رسید، معاشرت با دوستان ناباب را آغاز کرد غافل از این که معاشرت با این افراد نقطه شروع تمام آسیب هاست. کم کم در گیر روابط با جنس مخالف شد و ما از این اتفاق غافل بودیم تا این که روزی زن میان سالی سر زده به منزلمان آمد. او حتی هنگام ورود به منزل کشش هایش را در نیارود و با اکراه روی صندلی نشست و در حالی که با حقارت به لوازم منزل لمان چشم دوخته بود، گفت: من مادر پسری هستم که با دختر شمارابطه دار داپسر ماپیش را در یک کشش کرده که می خواهد با دختر شما ازدواج کند اما من این تصمیم را احساسی وزود گذر می پندارم. ما از خانواده شناخته شده و ثروتمندی هستیم و از طبقه اجتماعی شما نیستیم از طرفی من دوست دارم عروسم را خودم انتخاب کنم خوب می دانم پسرم در گیر یک هوس زود گذر شده است. مطمئن باشید دختر شما به زودی این مسئله را خواهد فهمید اما شاید آن وقت خیلی دیر شده باشد پس بهتر است شما جلوی دخترتان را بگیرید و از این ازدواج جلوگیری کنید! با رفتن آن زن رنگ بارچ آب خرم روی سر من و همسرم ریختند. مات و میهوت ماندیم که آن زن چه گفت و چه اتفاقی افتاده است! وقتی دختر ۱۴ ساله ام به منزل آمد بی اختیار در حالی که شعله های خشم در وجودم زبانه می کشید کمربندم را باز کردم و او را به باد کتک گرفتم. سحر چند روز در اتاق زندانی بود. گوشه اش را نیز ضبط کردم. خلاصه بعد از گذشت مدتی این ماجرا خاتمه یافت اما همچنان حس بدبینی و بی اعتمادی بین ما و دخترمان وجود داشت. او هر خطایی مرتکب می شد دوستی خیابانی اش را به رخشی می کشیدیم و همچون پتکی بر سرش می کوبیدیم. جوری رفتار می کردیم که انگار او گناه نابخشودنی مرتکب شده است چون من و مادر سحر در خانواده هایی متدین و مذهبی بزرگ شده بودیم. خلاصه بعد از مدتی نامه ای از مدرسه سحر آمد تا برای رسیدگی به وضعیت تحصیلیش به مدرسه مراجعه کنیم. وقتی همسرم به منزل بازگشت همچنان که اشک می ریخت سخنان مدیر مدرسه را در خصوص ارتباطات نامشروع دخترم بازگو کرد و این گونه بود که سحر در حالی که ۱۵ ساله بود و در کلاس اول دبیرستان تحصیل می کرد باتصمیم من و مادرش دیگر به مدرسه نرفت. تصمیم دیگری که گرفته بودیم از دواج سحر بود. می خواستیم زودتر او را عروس کنیم تا شاید بتوانیم از این گونه رفتار هایش پیشگیری کنیم. وقتی حامد به خواستگاری اش آمد، سحر ۱۶ سال داشت. حامد پسر سر به راه و مودبی بود و خانواده اش را دورادور می شناختیم بنابر این به خواستگاری اش جواب مثبت دادیم و سحر به اصرار ما پای سفره عقد نشست. بعد از گذشت یک سال از دوران عقد سحر و حامد به سر خانه و زندگی شان رفتند اما هنوز یک سال نگذشته بود که اختلافات آن ها آغاز شد به هر حال با پا میانی ریش سفیدان و بزرگ ترهای فامیل آن ها دوباره به منزل مشترک بازگشتند تا این که سحر باردار شد اما به دنیا آمدن نوه شیرین زبان مان نیز مرهمی برای زخم های زندگی سحر و حامد نشد. هر قدر من و همسرم خواستیم علت اختلاف آن ها را اجویا شویم چیزی دستگیرمان نمی شد تا این که پسرم به طومر اتفاقی پیام های افراندانسانساری در گوشه دخترم دید و این مسئله را به ما اطلاع داد و ما متوجه شدیم که ارتباطات نامشروع دخترم با مردان بیگانه دلیل اصلی اختلاف آن هاست. وقتی کامادم را خواستیم و با او صحبت کردم به حقیقت ماجرای بی بردم متوجه شدم او در تمام این مدت برای حفظ آبروی دخترم خجسته تدراری کرده است و حال می خواهد که ما مهریه دخترم را ببخشیم و او بی سرو صدا لقا قش را بگیرد... نمی دانستم چه کنم. وقتی حقیقت را فهمیدم چاقو را برداشتم تا اول دخترم و بعد خودم را بکشم چون تحمل این بی آبرویی را نداشتم اما همسر و پسرم مانع شدند تا این که تصمیم گرفتم شانه شیر را باز را بزنم و خودم را از این آبروبریزی نکبت بار نجات بدهم ولی باز هم از خدا ترسیدم و از این تصمیم احمقانه ناگهانی ششیمان شدم. اشک ریختم و از خدا طلب آمرزش کردم چرا که فقط گناهی بزرگ تر را مرتکب می شدم. این بود که به دایره مشاوره کلانتری آمدم تا کمک کنید.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**